



چهره مسیح در قرآن

شخصیتی که قرآن کریم از مسیح ارائه می‌دهد بسیار بالاتر و والاتر از آن چیزی است که انجیل موجود و تفکرات اهل مسیح، آن را ارائه می‌دهند. قرآن در پاره‌ای از موارد اعتقادات اهل مسیح در مورد حضرت عیسی را مطابق با واقع دانسته و بسیاری از موارد از جمله: تثلیث، تصلیب و فداء را بشدت توییح می‌کند.

ولادت مسیح

مسیح فرزند مریم فرزند عمران بود. ولادت پر رمز و راز مریم و داستان آن بطور مفصل در قرآن آمده؛ که مریم به خاطر نذر مادرش که فکر می‌کرد فرزندش پسر است، به خدمت بیت‌المقدس درآمد و تکفل او هم بعد از ماجرای توسط قرعه به زکریای نبی واگذار شد. مریم عادت ماهیانه نداشت و برای او غذاهای بهشتی فرستاده می‌شد. [1]

در آیه 45 آل عمران و آیات دیگر، مسیح فرزند مریم معرفی شده تا پاسخی به مدعیان اولو‌هیت مسیح داده باشد؛ زیرا کسی که از مادر متولد می‌شود و مشمول تمام متغییرات دوران جنین و تحولات عالم ماده است چگونه می‌تواند خدا باشد. خدایی که از تمام تغییرات و دگرگونی‌ها بر کنار است. [2]

برای اینکه تولد چنین فرزندی، دختر باکره‌ای چون مریم را آماج اتهامات قرار ندهد؛ قرآن برای تسلی به او می‌فرماید: او با مردم در گهواره سخن می‌گوید و در حالت کهولت نیز و او از صالحان است. [3] از آیات سوره مریم استفاده می‌شود زمانی که خداوند روح [4] را به صورت مردی به سوی مریم فرستاد، او بسیار ترسید. آن فرشته گفت من مأمور الهی هستم تا پسری پاکیزه به تو بخشم؛ ولی مریم گفت این چگونه ممکن است در حالی که من با هیچ مردی تماس نداشته و آدم بدکاره‌ای نیز نبوده‌ام؟! فرشته گفت: مطلب همین است که پروردگارت فرمود: این کار بر من سهل است. [5]

وقتی مریم فرزند خویش را دور از دید مردم به دنیا آورد و سپس به میان مردم آمد، همه او را مذمت کردند. مریم به طفل اشاره نمود که از او بپرسید. [6] مسیح (ع) در جواب آنها گفت: من بنده خدا هستم به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر خویش.... و نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است. [7]

تولد مسیح در قرآن

قرآن راجع به تولد مسیح (ع) می‌فرماید: «به یاد آور زمانی را که ملائکه به مریم گفتند: ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای (وجود باعظمتی) از سوی خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح عیسی‌بن‌مریم است در حالی که هم در این جهان و هم در جهان دیگر آبرومند و باشخصیت و از مقربان درگاه خداوند خواهد بود». [8] در اینجا قرآن از مسیح به عنوان کلمه یاد می‌کند؛ که به اعتقاد بیشتر مفسرین بخاطر تولد فوق‌العاده اوست. چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: مثل عیسی نزد خدا همچون آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او فرمود: «کن فیکون [9]». ولادت مسیح بدون پدر هرگز دلیل بر اولو‌هیت او نیست؛ زیرا خلقت آدم سخت‌تر از او بوده چون حتی مادر نیز نداشته است. اولین کلمه‌ای که عیسی (ع) در بدو تولد خطاب به مردم گفت این بود که: من بنده خدا هستم نه فرزند خدا [10]. قرآن در مقام رد اعتقادات شرک‌آمیز مسیحیان می‌فرماید: هرگز برای خدا شایسته نبود فرزندی انتخاب کند؛ منزله است!.

تثلیث:

یکی از موارد مورد اختلاف فرقه‌های گوناگون مسیحیت و مرز میان ایمان راستین و بدعت، مسئله تثلیث است. ریشه این موضوع به الهی – انسانی بودن شخصیت مسیح (ع) برمی‌گردد.

این بحثها تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی یونان در مسیحیت به بار نشست و برخی فرقه‌های نصرانی به شدت بر سر این مسأله به جدال پرداختند و لقب امام‌الله را به مریم دادند. [11] برخی نیز به امتزاج پدر و پسر و روح‌القدس معتقد شدند به این صورت که روح با جسم مخلوط شده همانطوری که شراب با آب مخلوط می‌شود و نتیجتاً قائل به تثلیث شدند. [12] قرآن کریم در رد این تفکر می‌فرماید: آنها که گفتند خداوند یکی از سه خداست (تثلیث) نیز به یقین کافر شدند معبودی جز خدای یگانه نیست و اگر از آنچه می‌گویند دست بردارند عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده پافشاری کردند) خواهد رسید. [13]

تصلیب

تصلیب نیز مانند تثلیث یکی از مواضع اختلاف قرآن با مسیحیت موجود است که در دو موضع به آن اشاره کرده است. قرآن تصور تصلیب را مطابق با واقع نمی‌داند و خبر می‌دهد که مسیح نه کشته و نه مصلوب گردید. «آنها هرگز مسیح را نکشتند و نه به دار آویختند؛ بلکه دیگری را که شباهت به او داشت اشتباهاً دار زدند. آنها که درباره مسیح اختلاف کردند خودشان در شک بودند و هیچ یک به گفته خود ایمان نداشتند و تنها از وهم و گمان پیروی می‌کردند». [14]

اما در آیه‌ای که می‌فرماید: «به یاد آر وقتی که خدا فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نمودم تا بر آسمان (قرب خود) بالا برم و تو را پاکیزه و منزله از معاشرت و آرایش کافران گردانم و...». [15]

نکته کلیدی آیه عبارت (انی متوفیک و رافعک الی) است. به عقیده مفسرین، توفی در قرآن به معنای موت نیست؛ بلکه به معنای گرفتن و



نگهداشتن است. [16] عبارت (رافعک الی) نیز به معنی "تو را به محل کرامت خویش بالا برم" است. علت آوردن رفع هم برای بزرگداشت و تعظیم است. [17]

- [1]. استفاده از تفسیر مجمع البیان ذیل آیه 49 آل عمران و استفاده از آیات 35-36 آل عمران و تفسیر نمونه ذیل آیه 36 آل عمران و تفسیر نمونه ذیل آیه 37 آل عمران.
- [2]. تفسیر نمونه ذیل آیه 45 آل عمران.
- [3]. آل عمران، 46.
- [4]. از فرشتگان بزرگ خدا
- [5]. مستفاد از سوره مریم آیات 21-26.
- [6]. مستفاد از آیات 27-29 مریم.
- [7]. سوره مریم، آیات 27-29-30.
- [8]. آل عمران آیه 45.
- [9]. موجود باش! او هم فوراً موجود شد.
- [10]. آیه 30 سوره مریم.
- [11]. پویا، اعظم؛ مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت، پائیز 85، چاپ اول، ص 127.
- [12]. اعظم پویا، عمان، ص 129.
- [13]. سوره مائده، آیه 73.
- [14]. نساء آیات 156-158.
- [15]. سوره آل عمران، آیه 54.
- [16]. طباطبایی، علامه محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 603.
- [17]. زمخشری جارالله؛ الکشاف، ج 1، دارالفکر، چاپ اول، ص 366.